

برخورد مارکسیستی در مورد حمله به ایران

نقش اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا هر یک از نقطه نظر ماهیت

طبقاتی دولت‌های خود بررسی می‌شود

برای برخی از افراد هر گونه خشونتی نفرت انگیز است. خشونت ارباب بر علیه برده باید محکوم شود - و همچنین خشونت برده‌ای که تلاش می‌کند خود را از ارباب برهاند. هنگامی که امپریالیزم انگلیس از خشونت در هندوستان استفاده می‌کند تا میلیون‌ها انسان را تحت انقیاد قرار دهد، اخلاق‌گرایانی که ماورای درگیری اجتماعی در جامعه هستند اعتراض می‌نمایند. آن‌ها همچنین اعتراض می‌نمایند اگر توده‌های هندی برای بیرون راندن حاکمان انگلیس از هند متوسل به زور شوند.

افرادی که بدین شیوه استدلال می‌کنند، بعضاً دارای معیارهایی انتزاعی از خیر و شر هستند، معیاری که طبقات و مبارزات طبقاتی را نادیده می‌گیرد. مارکسیست هرگز عملیات طبقات و ملل را نه از زاویه‌ی معیارهای اخلاقی انتزاعی بلکه از زاویه‌ی نیازهای طبقات و ملل برای دستیابی به آزادی خود ارزیابی می‌کند. آیا همه‌ی تهاجمات بد هستند؟ پاسخ مارکسیستی به آن سؤال منفی است. او پاسخ می‌دهد: چه کسی تهاجم را انجام می‌دهد و چه کسی مورد تهاجم قرار گرفته است. شرایط تهاجم چیست؟ آیا این منافع توده‌های انقلابی را به پیش می‌برد؟

به ایران اتحاد جماهیر شوروی حمله می‌کند و به ایران امپریالیزم انگلیس حمله می‌نماید. اخلاق گرایان طبقه‌ی متوسط که فکر می‌کنند هر تهاجمی، اهمیت ندارد توسط چه کسی یا بر علیه چه کسی یا تحت چه شرایطی، عملی امپریالیستی است، با عصبانیت صالح خود برخاسته، هر دو را محکوم می‌نمایند.

مارکسیست می‌گوید: اتحاد جماهیر شوروی یک دولت کارگری است، اگرچه یک دولت منحن است. برای هستیت خود علیه امپریالیزم آلمان می‌جنگد؛ متعهد است که هر اقدامی ضروری را برای دفاع از خود بکار ببندد مشروط بر اینکه با منافع انقلاب جهانی مغایرت نداشته باشد.

لنین و تروتسکی در پیرامون تهاجم

اتحاد جماهیر شوروی بیانیه‌ی ای را در ارتباط با حمله‌اش به ایران با تصدیق بر ماده ۶ پیمان اتحاد جماهیر شوروی با ایران ۱۹۲۱، که این حق را می‌دهد که سربازان بتوانند در داخل ایران به منظور اتخاذ اقدامات نظامی لازم در هر زمانی که دولت ایران قادر نباشد از حمله یا حمله‌ای تهدیدآمیز به اتحاد جماهیر شوروی از طریق ایران جلوگیری نماید، پیشروی نمایند، را صادر نموده است.

معاهده با ایران تحت رژیم لنین و تروتسکی برقرار گردید و حاکی از اتخاذ گرایشی است که رهبران انقلاب روسیه در مورد احتمال پیشروی نیروها به داخل سرزمینی که جزء اتحاد جماهیر شوروی نبود، داشته‌اند. به نفع دفاع از اتحاد جماهیر شوروی آن‌ها درخواست نمودند و این حق را دریافت نمودند که نیروهای مسلح خود را به یک کشور همسایه بفرستند. این پیمان

اتحاد جماهیر شوروی را ملزم به گرفتن اجازه از ایران قبل از اعزام سربازانش نمی‌نماید.

قابل برداشت است که لنین و تروتسکی حتی بدون اجازه، و حتی بدون یک معاهده، سربازان را اگر منافع اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب جهانی چنین عملی را مطالبه می‌نمود به داخل خاک همسایه گسیل می‌کردند.

این کاملاً درست است که امپریالیزم انگلیس دشمنی بود که دولت شوروی در زمان معاهده در نظر داشت، اما این واقعیت که در حال حاضر امپریالیزم آلمان دشمنی است که اتحاد جماهیر شوروی را تهدید می‌کند، ذره‌ای مغایرت ایجاد نمی‌نماید. و نه این واقعیت که، امپریالیست‌های انگلیس همزمان با انجام اینکار توسط اتحاد جماهیر شوروی به دلیل یک وضعیت نظامی ویژه دارند به ایران حمله می‌نمایند، از کم‌ترین اهمیتی تا آنجایی که به تعیین حق دولت شوروی برای اعزام نیروهای خود به داخل ایران مربوط می‌شود، برخوردار است. اما آیا ما دولت استالینیست را به دلیل حمله به لهستان، فنلاند و کشورهای بالتیک محکوم نکردیم؟ بله، ما این کار را کردیم، اما فقط به این دلیل که تحت شرایطی خسارات وارد شده به اتحاد جماهیر شوروی، به دلیل زدوده شدن همدردی میلیون‌ها نفر از مردم به علت عمل تهاجم، بیش‌تر از هر مزایایی بود که می‌توانست از الحاق اجباری سرزمین‌های مورد حمله حاصل گردد.

لنین و تروتسکی مجبور بودند مزایا و معایب تقبل انجام عملی به مانند حمله به کشوری دیگر را بسنجند. آن‌ها برای کارگران جهان ضرورت چنین حمله‌ای را آشکار می‌نمودند. و مهم‌تر از همه، توده‌ها اعتماد کامل به انگیزه‌ها و وعده‌های آنان داشتند.

هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که عمل استالین در حمله به ایران با سوءظن زیاد مواجه نگردد. دلیلش هم این است که سیاست‌هایی که وی داشته و دنبال می‌کند، به طور موجه‌ای به انگیزه‌های او سوءظن ایجاد نموده و افراد معدودی به وعده‌های او ایمان دارند.

تمام توضیحات و بهانه‌های وی برای حمله به لهستان و فنلاند سودی نداشت. برای توده‌های وسیعی آن حملات با تهاجمات نازی‌ها همسان به نظر می‌رسیدند. جنایات استالین دقیقاً از این تشکیل شده بود- او باعث گردید که اتحاد جماهیر شوروی در همان رده آلمان نازی قرار بگیرد.

اگرچه ما تروتسکیست‌ها می‌دانستیم که استالین بخشی از لهستان و کشورهای بالتیک و بخشی از فنلاند را به دلایل نظامی-استراتژیکی ضمیمه کرده است تا برای حمله علیه هیتلر آماده گردد، اما ما باز هم تهاجمات را محکوم کردیم چرا که از بین رفتن ایمان به اتحاد جماهیر شوروی توسط میلیون‌ها نفر بسیار سنگین‌تر از مزایای نظامی احتمالی بود.

ما بیش از حد اطمینان نداریم که استالین به قول خود مبنی بر خروج ارتش سرخ از ایران وقتی که ضرورت اشغال از بین برود، پایبند بماند. این چیزی است که باید در آینده حل و فصل گردد. در حال حاضر، تا آنجا که به اتحاد جماهیر شوروی مربوط می‌شود، کارگران و دهقانان با آگاهی طبقاتی، از جمله کارگران ایران، اجازه نخواهند داد که هیچ چیزی در دفاع از اتحاد جماهیر شوروی دخالت نماید.

آلبرت گلدمن

6 سپتامبر 1941

Albert Goldman
The Marxist Attitude on Iran Invasion
The Soviet Role and the British Role Are Each Evaluated
from the Standpoint of the Class Character of Their States
(6 September 1941)

<https://www.marxists.org/history/etol/writers/goldman/1941/09/iran.htm>

منبع: از میلیتنت، جلد ۷، شماره 36، 6 سپتامبر 1941، ص. چهار

مترجم: ژاله سهند

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل نشر کارگری سوسیالیستی: nashrKargarSocialisti@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری